

The Impact of Economical Corruption on the Islamic Revolution of Iran

Based on Revolutionary Slogans

Alireza Mohseni Abolkhari^{*}, Esmail Hassanzadeh^{}**

Abstract

The existence of financial corruption creates a problem for political systems because it plays a role in creating or deepening the gap between the political system and society, creating political dissatisfaction and revolution. However, in the etymological studies of Iran's Islamic Revolution, it is not yet clear what role and position dissatisfaction with financial corruption has in the space of causes of political dissatisfaction with the Pahlavi rule. The current research has chosen to study the slogans of this revolution to resolve this ambiguity. The question is: "According to the slogans of the Islamic Revolution of Iran, what effect and role did the phenomenon of dissatisfaction with financial corruption have in the occurrence of the Islamic Revolution?" With the method of content analysis, the result is that: in the slogans of the Islamic Revolution of Iran, dissatisfaction with financial corruption is the second cause of dissatisfaction with the government, after dissatisfaction with the political situation, and therefore a necessary condition for the occurrence of the Islamic Revolution. In their slogans, revolutionaries protested against rent, embezzlement, general form of financial corruption and smuggling. Also, the second characteristic of the political system

* Phd student of History of the Islamic Revolution, The Institute of emam khomeini and islamic revolution, Tehran, Iran (corresponding author), alireza.mohseni390@gmail.com

** Associated professor of history, Alzahra university, Tehran, Iran, e.hassanzadeh@alzahra.ac.ir

Date received: 2022/09/21, Date of acceptance: 2022/12/16



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

demanded by the chanters as an alternative system to the Pahlavi rule is to be free from financial corruption.

Keywords: Corruption, revolutionary slogan, Pahlavi rule, Islamic Revolution, opposition

تأثیر فساد مالی در وقوع انقلاب اسلامی ایران

براساس شعارهای انقلابی

علیرضا محسنی ابوالخیری*

اسماعیل حسن زاده**

چکیده

وجود فساد مالی برای نظام‌های سیاسی ایجاد مسأله می‌کند چرا که در ایجاد یا عمیق‌تر نمودن شکاف بین نظام سیاسی و جامعه، ایجاد نارضایتی سیاسی و بروز انقلاب نقش دارد. باین‌وجود در مطالعات ریشه‌شناسانه انقلاب اسلامی ایران، هنوز معلوم نشده است که در فضای علل نارضایتی سیاسی از حاکمیت پهلوی، نارضایتی از فساد مالی چه نقش و جایگاهی دارد. پژوهش حاضر برای رفع این ابهام مطالعه‌ی شعارهای این انقلاب را برگزیده است. پرسش این است که: «بر اساس شعارهای انقلاب اسلامی ایران پدیده نارضایتی از فساد مالی چه تأثیر و نقشی در وقوع انقلاب اسلامی داشته است؟» با روش تحلیل محتوا، نتیجه این است که: در شعارهای انقلاب اسلامی ایران، نارضایتی از فساد مالی پس از نارضایتی از وضعیت سیاسی، دومین علت نارضایتی از حاکمیت و لذا شرط لازم وقوع انقلاب اسلامی است. انقلابیون در شعارهای خود به ترتیب به رانت، اختلاس، شکل عام فساد مالی و قاچاق اعتراض داشته‌اند.

* دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، alireza.mohseni390@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، e.hassanzadeh@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

همچنین دومین ویژگی نظام سیاسی مورد مطالبه شعاردهندگان به عنوان نظام جایگزین حاکمیت پهلوی، پاک بودن از فساد مالی است.

کلیدواژه‌ها: فساد مالی، شعار انقلابی، حاکمیت پهلوی، انقلاب اسلامی، مخالفین.

۱. مقدمه

فساد مالی در ایجاد یا عمیق‌تر کردن شکاف بین نظام سیاسی و جامعه و بروز انقلاب نقش دارد. به گفته کرین بریتون گلایه‌های اقتصادی و فساد مالی یکی از چهار عامل مؤثر در بروز چهار انقلاب تأثیرگذار روسیه، انگلستان، آمریکا و فرانسه بوده است (بریتون ۱۳۶۳: ۳۸ و ۴۱). جامعه پدیده فساد مالی را به ضرر منافع اقتصادی اکثریت و به نفع معدود فسادگران می‌نگرد؛ این پدیده موجب بروز نگرش منفی و اعتراض‌آمیز در جامعه گردیده و به نوعی نظام‌های فاسد را با فقدان مشروعیت روبرو می‌سازد و ممکن است به بروز جنبش‌های اصلاحی، دامن زدن به شورش‌ها و کمک به زوال نظام‌های حکومتی بینجامد (ربیعی ۱۳۸۳: ۷۹ و ۸۷ و همدمی ۱۳۸۷: ۴۶ و معصومی‌نیا ۱۳۸۳: ۷۶). فساد مالی باعث بی‌ثباتی و نارضایتی سیاسی می‌گردد که از شرایط لازم بروز انقلاب است (نک: گر ۱۳۸۸: ۴۸ - ۵۰ و ۲۲۴-۲۲۸). این بعد، مسئله پژوهش حاضر در باب وقوع انقلاب اسلامی ایران و سقوط نظام شاهنشاهی است. ابهام موجود این است که در شکل‌گیری نارضایتی سیاسی در روند انقلاب اسلامی ایران، فساد مالی حاکمیت نقش داشته یا نداشته است.

در آثار معدودی از منابع و مآخذ تاریخ انقلاب اسلامی آمده است که در انقلاب اسلامی ایران یکی از انتقادهای مخالفان به حکومت وقت فساد مالی آن بوده است (برای مثال: حاج‌سیدجوادی ۱۳۵۷: ۱-۵۲ و ۷۷؛ میلانی ۱۳۸۰: ۳۸۲) ولی هنوز نقش نارضایتی ناشی از فساد مالی در انقلاب اسلامی به طور کامل و عوامل فساد (شخص یا اشخاص فاسد) از منظر مخالفان به طور مستند مشخص نگردیده است. پژوهش حاضر درصدد است با واکاوی شعارهای انقلاب اسلامی به عنوان نمود عینی نارضایتی سیاسی مخالفان، ابهام موجود را مرتفع سازد. در نگاهی کلی به انقلاب‌ها، شعارها یکی از منابع مهم و دست اول برای مطالعه انقلاب‌ها است (حسن‌زاده ۱۳۸۶: ۵). شعارهای انقلاب بیان‌کننده نگرش ایدئولوژی انقلاب و انقلابیون نسبت به وضع موجود، اهداف و ویژگی‌های نظام آرمانی و بازگوکننده علل و عوامل نارضایتی هستند. شعارهای انقلاب اسلامی ایران نیز به عنوان نمود کنش انقلابی مخالفان در

اعتراض به وضعیت حکومت شناخته می‌شوند و منبعی دسته اول در شناخت علت نارضایتی سیاسی و جامعه‌ی آرمانی مورد نظر صاحبانشان به حساب می‌آیند، بنابراین با مطالعه شعارهای انقلاب اسلامی ایران می‌توان به گستره‌ی نارضایتی از فساد مالی پی برد.

پرسش اساسی این است که «بر اساس شعارهای انقلاب اسلامی ایران پدیده نارضایتی از فساد مالی چه تأثیر و نقشی در وقوع انقلاب اسلامی داشته است؟» در راستای پاسخ به این پرسش، بدین پرسش‌های جزئی باید پاسخ داده شود: الف) آیا در جریان انقلاب اسلامی شعاری علیه فساد مالی داده شده است؟ این شعارها در بین مجموع شعارها چه سهمی نسبت به دیگر خواسته‌های مخالفان دارند؟ ب) شعارهای علیه فساد مالی چه ماهیتی دارند و به کدامیک از مصادیق فساد مالی مربوط هستند؟ سهم هر یک از مصادیق فساد مالی از نارضایتی عمومی چقدر است؟ و ج) آیا در شعارها نارضایتی از فساد مالی، سیاسی شده است؟ یعنی این که آیا حاکمیت از منظر مخالفان عامل فساد مالی شناخته شده‌اند و یا خیر؟ پژوهش حاضر در تلاش است با روش تحلیل محتوا به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

ناگفته نماند که هنوز پژوهشی در این ارتباط و با این نوع بررسی انجام نگرفته است. بررسی اعتراض نسبت به فساد مالی در شعارها در مقوله‌های بررسی شده محمدحسین پناهی (۱۳۸۳) در کتاب قابل توجه «جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران» جای نگرفته است.

۲. چهارچوب مفهومی

۱.۲ فساد مالی و مصادیق آن

فساد مالی عبارتست از: سوء استفاده شخص دولتی یا غیردولتی از قدرت عمومی برای کسب منفعت مالی شخصی یا گروهی. برای عملیاتی شدن سنجش متغیر فساد مالی باید مصادیق آن را مورد بررسی قرار داد. مصادیق فساد مالی عبارتند از: الف) رانت (Rent): درآمد یا جایزه‌ای سرشار است که در ازاء امتیازات خاص تصاحب شده، به شخص یا اشخاص و یا نهادها تعلق می‌گیرد (همدمی ۱۳۸۳: ۳۶)؛ ب) ارتشاء (Bribery): «پیشنهاد، پرداخت، پذیرش یا درخواست مال در مقابل انجام عملی که غیرقانونی و یا مستلزم نقض وظایف یک منصب است (Transparency international 2009: 5)؛ ج) اختلاس (Embezzlement): دزدی کارگزار دولت از

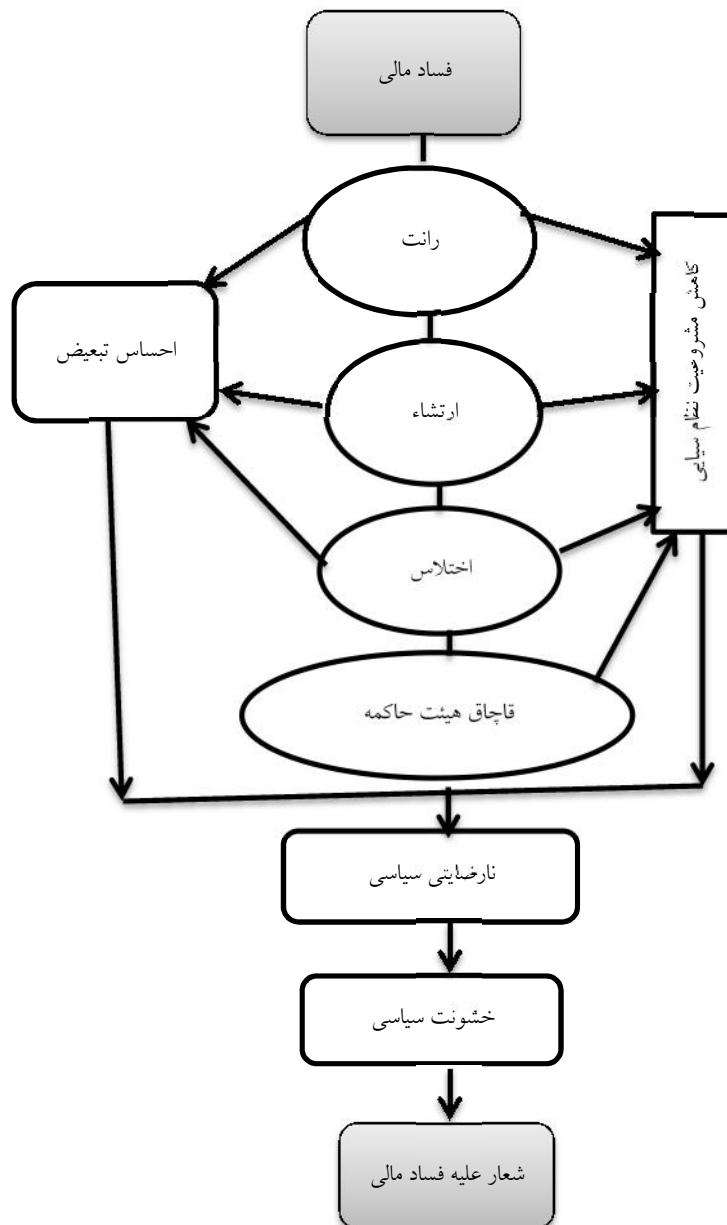
منابع و امکاناتی است که به واسطه جایگاهش در اختیارش قرار گرفته تا در زمینه‌های مشخصی هزینه نماید (Green 1993: 96)؛ د) قاچاق (contraband): «تخلفی گمرکی است؛ شامل جابه‌جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت (تعرفه) گمرکی» و یا ورود کالای غیرقانونی به داخل کشور (بنائی ۱۳۷۷: ۷۶ و احمدی ۱۳۸۲: ۳۱).

۲.۲ رابطه مصادیق فساد مالی و شعار انقلابی

مخالفین پس از نارضایتی از شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در خیابان‌ها علیه آن و برای جایگزین آن شعار می‌دهند. فساد مالی و مصادیق آن به عنوان یک مسئله اقتصادی به این شرح می‌تواند ایجادگر نارضایتی از حاکمیت باشد و در شعارها نمود یابد (نک: نمودار شماره یک): با تقسیم رانت‌ها در یک دولت رانتیر با شیوهی نابرابر جامعه شاهد برخورداری همگان از فرصت‌های اقتصادی نیست. با وجود شبکه‌های فساد در ساختارهای اقتصادی، سایرین علی‌رغم تلاش به این فرصت‌ها دست نمی‌یابند (خضری ۱۳۸۱: ۵۹) و این وضعیت ایجادکننده احساس تبعیض اقتصادی است که مردم تحت تاثیر آن، خواهان چیزی بیش از آن چه خواهند شد که «از ما بهتران» حاضرند آنان از آن بهره‌مند شوند تا بدان حد که اقدام به خشونت سیاسی محتمل الوقوع می‌شود. این شرایط بر مقبولیت نظام سیاسی تاثیر منفی می‌گذارد (گر ۱۳۸۸: ۱۸۲ و ۱۶۴ - ۱۶۹). اختلاس باعث سلب اعتماد عمومی جامعه و کاهش مشروعیت نظام سیاسی حاکم است چرا که با وقوع اختلاس، مردم منابع دولتی را که باید صرف هزینه‌های عمومی شود را بازیچه‌ی منافع شخصی مسئولین سیاسی می‌بینند و انگشت اتهام را به سوی موجودیت نظام سیاسی می‌گیرند. ارتشاء باعث ایجاد نابرابری در کسب ارزش‌های مادی (چون أخذ مجوز در زمینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری) مابین متقاضیان است. متقاضیانی که نمی‌خواهند رشوه پرداخت کنند به سبب منفعت‌طلبی رشوه‌گیرنده‌گان، از کسب ارزش‌های مادی مزبور باز می‌مانند. حتی از بین متقاضیانی که در یک نظام سیستماتیک فاسد، راضی به پرداخت رشوه‌اند، متقاضیانی که رشوه بیشتری می‌پردازند به ارزش‌های مورد نظر دست می‌یابند و مابقی محروم می‌شوند (مداح ۱۳۸۹: ۲۰۵ - ۲۰۷) و در هر دو حالت متقاضیان احساس تبعیض می‌کنند و نظام سیاسی را مقرر می‌دانند، احساسی که احتمال دارد به نارضایتی سیاسی و خشونت سیاسی بینجامد (گر ۱۳۸۸: ۱۸۲ و ۱۶۴ - ۱۶۹). ورود و خروج کالای غیرقانونی (چون مواد مخدر یا عتیقه) به وسیله اعضای حاکمیت جیب قاچاقچیان را

تأثیر فساد مالی در وقوع انقلاب اسلامی ایران (علیرضا محسنی ابوالخیری و اسماعیل حسن زاده) ۲۷۹

علیه صلاح جامعه پرمی کند و بر کاهش متغیر مقبولیت سیاسی نظام حاکم مؤثر است (بیابانی، موسوی ۱۳۸۹: ۷۸ و وطن پور ۱۳۸۷: ۷۸).



نمودار شماره ۱: رابطه فساد مالی و شعار انقلابی ضد فساد

۳.۲ شعارهای انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران پرشعارترین انقلاب دنیاست (پناهی ۱۳۸۳: ۴۷) و این شعارها از نظر محتوا به پنج محور تقسیم می‌شوند: ۱- شعارهای اعتراضی به وضعیت حکومت پهلوی، ۲- شعارهای مربوط به چگونگی سرنگون‌سازی حکومت، ۳- شعارهای پس از سرنگونی حکومت پهلوی در رابطه با شخصیت‌های حکومت گذشته، ۴- شعارهای مربوط به شخصیت‌های سیاسی انقلاب، ۵- شعارهای مربوط به نظام‌ها و شخصیت‌های بین‌المللی و ۶- شعارهای مربوط به نظام آرمانی انقلابیون (همان: ۲۰۸).

۴.۲ نارضایتی سیاسی

ایجاد نارضایتی سیاسی یکی از عوامل بروز انقلاب است. این مفهوم بدین معناست که نارضایتی‌های اکثریت حاصل محرومیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی «به سمت اقدامات اعتراض آمیزی هدایت شود که آشکارا دارای تمرکز سیاسی مشخص هستند.» اگر نظام سیاسی منبع محرومیت باشد یا منبع محرومیت شناخته شود نارضایتی سیاسی شکل می‌گیرد. نارضایتی سیاسی شرط لازم بروز انقلاب است و به همراه دو عامل دیگر به‌عنوان شروط کافی (توجیهات هنجاری و فایده‌گرایانه) انقلاب روی خواهد داد (گر ۱۳۸۸: ۴۸ - ۵۰ و ۲۲۴-۲۲۸).

۳. جامعه‌ی آماری شعارها

با توجه به مسئله و پرسش‌های پژوهش از میان شعارهای گفته شده که همگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند دو گروه شعار برای واکاوی انتخاب می‌شود و مابقی به مسأله و سؤال پژوهش حاضر ارتباطی پیدا نمی‌کنند. اول، شعارهای انتقادی به وضعیت حاکمیت پهلوی که در واقع آینه علل نارضایتی مخالفین از وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیش‌انقلاب است و دیگری شعارهای مخالفین در توصیف وضعیت آرمانی‌ای که به دنبال آن هستند. بررسی شعارهای دسته‌ی اول مشخص خواهد کرد که اولاً چه سهمی از شعارها در اعتراض به فساد مالی بوده است و ثانیاً مخالفان چه کسانی را مسئول فساد مالی دانسته‌اند. واکاوی شعارهای دسته‌ی دوم نشان خواهد داد که آیا وضعیت آرمانی موردنظر مخالفین توصیف‌گر

تأثیر فساد مالی در وقوع انقلاب اسلامی ایران (علیرضا محسنی ابوالخیری و اسماعیل حسن زاده) ۲۸۱

نظامی بدون فساد مالی است؟ در واقع، واکاوی این دو دسته شعار واکاوی «آنچه مخالفین نمی‌خواستند و آنچه به دنبال آن بودند» در رابطه با فساد مالی است.

در این پژوهش از فهرست جمع‌آوری شده پناهی (۱۳۸۳) از شعارهای انقلاب اسلامی استفاده شده است که به بیان وی با بررسی منابع کتابخانه‌های کشور، آرشیو اسناد برخی از سازمان‌های مرتبط و نشریات جمع‌آوری شده است (پناهی ۱۳۸۳: ۳۹-۴۴). همچنین به منظور تحقق مطالعه جامع متغیر فساد مالی به‌طور هم‌زمان به بیان آشکار و محتوای شعارها توجه شده است چرا که اکتفای صرف بر شمارش کلمات خاص و بی‌توجهی به مضمون شعارها هدف را میسر نمی‌سازد. دیگر این که برخی از شعارهای انقلاب تنها یک مضمون اصلی ندارند و ممکن است برخی دو یا سه و حتی مضمون‌های بیشتری داشته باشند و در نتیجه این شعارها در بیش از یک مقوله قرار می‌گیرند. براین اساس تعداد شعارهای مورد بررسی ۴۵۱۲ عدد است. تعداد ۸۵۷ شعار در اعتراض به وضعیت حاکمیت پهلوی سرداده شده‌اند. این دسته شعارها ۱۸/۹۹ درصد مجموع شعارها است. فراوانی شعارهای مخالفین مربوط به وضعیت آرمانی ۷۳۸ شعار است و این تعداد ۱۶/۳۵ درصد مجموع شعارهاست. فراوانی مجموع این دو گروه شعار که برای احصاء اعتراض به فساد مالی پهلوی انتخاب گردیده‌اند، ۱۵۹۵ است که ۳۵/۳۴ درصد مجموع شعارها را شامل می‌شود.

۴. الگوی استخراج نارضایتی از فساد مالی حکومت از شعارها

به علت تفاوت ماهوی دو گروه شعار مورد مطالعه پژوهش لازم است به تقسیم‌بندی روش تجزیه و تحلیل هر گروه پرداخته شود. جدول شماره ۱ جمع‌بندی این روش تجزیه و تحلیل و نمای مقوله‌بندی و واحدهای تحلیل است.

۱.۴ شعارهای دسته‌ی اول

برای تجزیه و تحلیل این شعارها سه معیار مدنظر قرار می‌گیرد:

معیار نخست این است که چه سهمی از این شعارها علیه وضعیت اقتصادی حاکمیت داده شده‌اند. برای مشخص شدن این سهم چهار مقوله که شعارها به وضعیت آنها اعتراض کرده‌اند در نظر گرفته می‌شود و پس از تحصیل سهم هر مقوله، سهم اعتراض به وضعیت اقتصادی به‌دست خواهد آمد. این چهار مقوله که واحدهای تحلیل آنان در جدول شماره ۱ آمده است

عبارتند از: اعتراض به وضعیت سیاسی؛ اعتراض به وضعیت اقتصادی، اعتراض به وضعیت فرهنگی و اعتراض به وضعیت اجتماعی (همان: ۲۱۱-۲۱۸).

معیار دوم، پاسخ بدین پرسش است که چه سهمی از شعارهایی که در مخالفت با وضعیت اقتصادی حاکمیت سر داده شده‌اند، به فساد مالی اعتراض داشته‌اند؟ برای پاسخ، این مقوله به دو واحد تحلیل اعتراض به فساد مالی و سایر معضلات اقتصادی تقسیم شده است. با این تقسیم‌بندی سهم مورد پرسش مشخص خواهد شد.

معیار سوم، استخراج متغیر اعتراض به فساد مالی از شعارها است. برای تحقق این منظور دو ملاحظه وجود دارد:

ملاحظه‌ی نخست توجه به شعارهایی است که مستقیماً در محتوای آشکار یا مضمونی خود (بدون واسطه قرار دادن متغیر دیگر) به فساد مالی و مصادیق آن اعتراض کرده‌اند که با کاربرد واژه‌ی صریح «هر فساد» و نسبت دادن آن به حاکمیت در شعارها (که فساد مالی را نیز شامل می‌شود) و از سوی دیگر اعتراض بدون واسطه به هر یک از مصادیق فساد مالی در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب اعتراض به سرمایه‌دار(ان) که به‌زعم جامعه به‌سبب امتیازات اقتصادی صاحب مکنت شده بودند (برای نمونه شعار: «کارگر و برزگر قهرمان، سرمایه‌دار حق تو را ربوده»)، اعتراض به رانت و اعتراض به دزدی و چپاولگری حکومت (شعار: «ما شاه دزد نمی‌خواهیم») اعتراض به اختلاس در نظر گرفته می‌شود و نسبت دادن قاچاق به حاکمیت (شعار: «اشرف رهبر باند هروئین») به قاچاق اعتراض داشته است.

ملاحظه‌ی دوم، توجه به اعتراضاتی است که در شعارها نسبت به معلول‌های فساد مالی شده است. در واقع این شعارها با یک متغیر میانجی (معلول‌های فساد مالی) مضموناً به فساد مالی (به‌عنوان علت) اعتراض داشته‌اند و لذا این نوع اعتراض «اعتراض غیرمستقیم به فساد مالی» تلقی می‌شود. به این ترتیب شعارهایی که در اعتراض به تبعیض، نبود فرصت‌های اقتصادی مشترک برای عموم و محرومیت و استثمار سر داده شده‌اند، مصادیق اعتراض مخالفان به رانت در نظر گرفته می‌شوند؛ شعارهایی که علیه تبعیض و نابرابری داده شده‌اند حمل‌بر مخالفت با فرآیند ارتشاء نیز می‌کنند.

۲.۴ شعارهای دسته‌ی دوم

در شعارهای مربوط به خصلت آرمانی، وضعیتی بدون فساد مالی نیز مورد مطالبه مخالفین است و لذا این شعارها مضموناً فساد مالی را طرد کرده و به آن اعتراض می‌کنند. این شعارها به دو سبک خواهان برقراری وضعیت بدون فساد هستند. در سبک اول در بیانی مستقیم با استفاده از واژه «فساد» برای شرایط خواستنی، به ضدفساد بودن وضعیت آرمانی اشاره می‌کنند («اسلام دین جنبش و جهاد است، برنامه‌اش کوبیدن فساد است») و در واقع اعتراض خود را به فساد مالی موجود در حکومت وقت ابراز می‌نمایند. این شعارها در سبک دوم با بهره‌بردن از دیگری‌های معلول‌های فساد مالی چون عدالت و عدل، مساوات و برابری، حمایت از محرومین و مستضعفین به طرد معلول‌های فساد مالی (تبعیض، نابرابری و محرومیت) می‌پردازند («مساوات، عدالت، این است شعار ملت»). در این راستا سبک اول شعارها مصداق مخالفت با شکل عام فساد مالی و سبک دوم شعارها که نفی‌کننده تبعیض، نابرابری و محرومیت (به‌عنوان معلول‌های رانت و ارتشاء) هستند مصادیق مخالفت با رانت و ارتشاء در نظر گرفته می‌شوند.

۳.۴ سنجش عاملین فساد مالی از منظر مخالفان

شعارهایی که شاه را مخاطب قرار داده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند. اول، شعارهایی که اقدامات شاه را محکوم کرده و صفتی به شاه نسبت داده‌اند و در محتوای خود علت نارضایتی را با خود دارند (برای نمونه: «پیوند شاه و کارتر، پیوند دزد و قاتل»). دسته‌ی دیگر، فقط شاه را مخاطب قرار داده، محکوم و یا تهدید کرده‌اند و لذا علت نارضایتی قابل تشخیص نیست (برای نمونه: «به‌همت توده‌ها، شاه تو را می‌کشیم»). پیرامون اعتراض به خاندان سلطنتی نیز همین رویه وجود دارد، اعتراضاتی که با ذکر علت، خاندان پهلوی را مذمت کرده‌اند («اشرف رهبر باند هروئین») و یا علتی را ذکر نکرده‌اند («الهی، الهی ولیعهدت جلو چشمت بمیره»). شعارهایی که بدون ذکر علت، محمدرضا شاه و خاندان سلطنت را محکوم ساخته‌اند، مضموناً مصداق اعتراض به فساد مالی این دو نیز هستند (نک همان: ۲۷۹). تکنیک دوم و معتبرتر، احصاء عاملین فساد مالی از بطن شعارهایی است که در مذمت مستقیم فساد مالی سرداده شده‌اند («این است شعار دولت، دزدی، غارت، جنایت»). عاملین مورد نظر مخالفین عبارتند از: حاکمیت (شاه، خاندان سلطنت و دولت)، نوع نظام سیاسی و طبقه سرمایه‌دار(ان).

جدول شماره ۱: مقوله‌بندی و واحدهای تحلیل

شماره‌ها	مقولات	واحدهای تحلیل	فساد مالی مورد اعتراض
شماره‌های مربوط به نفی و محکوم کردن حکومت	اعتراض به وضعیت سیاسی	محمد رضا شاه	بدون ذکر دلیل در مذمت شاه
		خانان سلطنتی	با ذکر دلیل در مذمت شاه
			بدون ذکر دلیل در مذمت خانان پهلوی
			با ذکر دلیل در مذمت خانان پهلوی
		اعتراض به ساواک	اعتراض به نخست‌وزیرها
			اعتراض به دولت
			اعتراض به نظام سلطنتی
			اعتراض به ساواک
		اعتراض به ارزش‌های سیاسی	اعتراض به ارزش‌های سیاسی
			اعتراض به وابستگی حاکمیت
اعتراض به وضعیت اقتصادی	اعتراض به فساد مالی اعتراض مستقیم به فساد مالی	دیگر موارد	شکل عام فساد مالی
		اعتراض به فساد حاکمیت	اعتراض به قاچاق اعضای حاکمیت
		اعتراض به ارتشاء	
		اعتراض به اخاذی	

تأثیر فساد مالی در وقوع انقلاب اسلامی ایران (علیرضا محسنی ابوالخیری و اسماعیل حسن زاده) ۲۸۵

اختلاس	اعتراض به دزدی و چپاولگری				
رانت	اعتراض به سرمایه‌داران				
رانت	اعتراض به نبود فرصت‌های اقتصادی مشترک برای عموم	اعتراض غیرمستقیم به فساد مالی			
رانت و ارتشاء	اعتراض نسبت به تبعیض				
رانت	اعتراض به محرومیت و استثمار				
			۲۴ ۴		
	ارزش رفاه مادی	اعتراض به ارزش‌های اجتماعی	اعتراض به	اعتراض به وضعیت فرهنگی	
	ارزش مصرف‌گرایی				
	سایر				
	قوانین اجتماعی	اعتراض به هنجارهای اجتماعی	اعتراض به	اعتراض به وضعیت اجتماعی	
	سایر				
	سایر				
	اعتراض به آزادی و وضعیت زنان	اعتراض به وضعیت اجتماعی	اعتراض به	اعتراض به وضعیت اجتماعی	
	اعتراض به نابرابری‌های اجتماعی				
	مسائل و انحرافات اجتماعی				
	سایر				
فساد مالی	اشاره مستقیم به خصلت فاسد نبودن وضعیت آرمانی			اشاره غیرمستقیم به خصلت فاسد نبودن وضعیت آرمانی	شعارهای مربوط به وضعیت آرمانی
رانت و ارتشاء	خواهان برقراری عدل، عدالت و دادگری				
رانت و ارتشاء	خواهان برقراری برابری و مساوات				
رانت و ارتشاء	خواهان برقرار وضعیت آرمانی به نفع محرومین				

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱.۵ شعارهای دسته اول

۱.۱.۵ نارضایتی از فساد مالی دومین علت نارضایتی مخالفین از حاکمیت

شعارهای محکوم‌کننده وضعیت حاکمیت پهلوی در اعتراض به وضعیت سیاسی، معضلات اقتصادی، وضعیت اجتماعی و فرهنگی است. بیشترین اعتراض شعاردهندگان (بیش از ۹۵ درصد) مربوط به وضعیت سیاسی است و اعتراض به معضلات اقتصادی با سهم ۳/۵ درصد در رتبه دوم قرار دارد. به عبارت دیگر نارضایتی از معضلات اقتصادی حکومت وقت پس از نارضایتی از وضعیت سیاسی دومین علتی بوده است که مخالفین را علیه حاکمیت به خیابان‌ها برای انقلاب کشانده است (نک: جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی شعارهای مربوط به نفی وضعیت موجود

مقولات	فراوانی	درصد
اعتراض به وضعیت سیاسی	۸۱۷	۹۵/۳۳
اعتراض به معضلات اقتصادی	۳۰	۳/۵
اعتراض به وضعیت اجتماعی	۶	۰/۷۰
اعتراض به وضعیت فرهنگی	۴	۰/۴۶
مجموع	۸۵۷	۱۰۰

بیشترین شعارهای اعتراضی نسبت به معضلات اقتصادی، مربوط به نفی فساد مالی است. ۲۷ مورد (۹۰ درصد) از این شعارها در اعتراض به فساد مالی و ۳ مورد (۱۰ درصد) مربوط به سایر معضلات اقتصادی موجود است. با این حساب در مجموع فضای علل نارضایتی، سهم نارضایتی از فساد مالی پس از نارضایتی از وضعیت سیاسی در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. در واقع شعار دهندهگان پس از وضعیت سیاسی به فساد مالی اعتراض داشته‌اند.

۲.۱.۵ گونه‌شناسی اعتراض مخالفین به فساد مالی

۸۸/۸۸ درصد از شعارهای نفی‌کننده فساد مالی به‌طور مستقیم فساد مالی را محکوم کرده‌اند و مابقی (۱۱/۱۱) به‌طور غیرمستقیم در نفی فساد مالی سر داده شده‌اند. در مقایسه این دو فراوانی شعارهای اول، هشت برابر شعارهای دوم است.

شعارهایی که مستقیماً (بدون واسطه قرار دادن متغیر دیگر) فساد مالی را محکوم کرده‌اند:

الف) ۶ مورد (که ۲۵ درصد این شعارهاست) از واژه‌ی «فساد» استفاده کرده‌اند. انتساب فساد به شکل عام به حاکمیت، فساد مالی را نیز شامل می‌گردد. در چهار مورد از این شعارها، نگاهی ریشه‌شناسانه به فساد مالی وجود دارد: سه شعار «نظام شاهنشاهی، عامل هر فساد است»، «رژیم شاهنشاهی سرچشمه فساد است»، «نظام شاهنشاهی، مظهر هر فساد است»، نوع نظام را «عامل»، «سرچشمه» و «مظهر» فساد مالی دانسته است. به نظر می‌رسد صاحبین این شعارها، بر این باور بودند که سازوکار نظام شاهنشاهی که قدرت سیاسی و اقتصادی را در یک شخص و طبقه‌ی حاکم متمرکز می‌نماید (Beblawi and Luciani 1987: 6-7) و به آنان قدرت توزیع دل‌بخوانه‌ی مزایای اقتصادی (در قالب اعطای گزینشی مجوزها، قراردادهای نان و آبدار، وام‌های بدون بهره، امتیازات انحصاری، معافیت‌ها و دیگر مزایا (حاجی یوسفی ۱۳۷۶: ۱۵۴) را بین حامیان خود می‌دهد، باعث فساد مالی موجود است (نک: اسناد لانه جاسوسی ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۲۹)). یک مورد دیگر این نوع شعارها، آمریکا را «ریشه» فساد معرفی نموده است: «آمریکا آمریکا ریشه هر فساد است». بر اساس اسناد سفارت آمریکا، مخالفان به این باور رسیده بودند که آمریکا در فساد رژیم پهلوی نقش دارد (همان، ج ۳: ۳۲۰). البته بر اساس همین اسناد شرکت‌های آمریکایی در زمان رقابت در فضای اقتصادی ایران از «کارچاق‌کن‌ها و رشوه دادن» استفاده می‌کردند (همان، ج ۲: ۴۲۶-۴۲۹). دو شعار دیگر («برای جنگ با رژیم فاسد، تهیه کن مسلسل ای مجاهد، مرگ بر این شاه» و «هفدهم شهریور سر آغاز جهاد است، خون شهیدان ما خاتمه‌ی فساد است») نیز حکومت وقت را فاسد معرفی کرده و راه خلاصی از حکومت فاسد را مبارزه می‌داند.

ب) در ۱۰ مورد (۴۱/۶ درصد این شعارها)، دزدی حاکمیت (اختلاس) آشکارا و یا مضموناً محکوم شده است. در این شعارها یا از صفات «دزد»، «غارنگر» و «غارت» در قبال حاکمیت استفاده شده («این است شعار دولت، دزدی، غارت، جنایت»، «این است شعار دولت، چوب و چماق و غارت»، «پیوند شاه و کارتر پیوند دزد و قاتل»، «ما شیر و موز نمی‌خواهیم، ما شاه دزد نمی‌خواهیم»، «آزادگان در زندان، میهن به دست دزدان»، «آمریکا آمریکا حامی غارتگران [حاکمیت]») و یا مضموناً به چپاول شاه و حکومت اشاره گردیده است: «کره‌خر رضا شاه بله، نفت ما را بردی بله، گاز ما را بردی بله، پول آنها رو خوردی بله»، «نفت را کی برد؟ آمریکا، گاز را کی برد؟ شوروی، پولش را کی خورد؟ پهلوی»، «ای که پرپرکنی جوانه‌ها می‌زنی

آتش به خانه‌ها، می‌کشی خلق مسلم خدا، تا که خود پرکنی خزانه‌ها» و «لقمه‌ای که این شه زکام ما بدر آورده است، آخر از حلقوم ناپاکش به در خواهیم کرد».

ج) در ۷ مورد (۲۹/۱ درصد شعارها) به سرمایه‌دار(ان)، که به زعم مخالفین به واسطه‌ی امتیازات اقتصادی (رانت)، صاحب مکنت شده بودند، تاخته‌اند. در این شعارها، سرمایه‌دار رباینده‌ی حق «کارگر و برزگر» (شعار «کارگر و برزگر قهرمان، سرمایه‌دار حق تو را ربوده») و «دشمن» جامعه (دولت سرمایه‌دار، دشمن نوع بشر)، «مترفین [مرفهین]، مترفین، دشمن مسلمین» نامیده شده و «مرگ» و «نابود» یش خواسته شده است (دو شعار «اتحاد کارگران، مرگ سرمایه‌داران» و «نظام سرمایه‌داری نابود باید گردد»). همچنین، شعار دهنده‌گان به الگوسازی پاکدستی در برابر سرمایه‌دار (و رانت) نیز دست زده «ابوذر، ابوذر، دشمن سرمایه‌دار، امید مستضعفان، راهت ادامه دارد» و سرمایه‌داران را از قدرت خود ترسانده‌اند: «مستکبرین و مترفین [مرفهین] عقلی به سر ندارند، از قدرت مستضعین گویا خبر ندارند».

د) در ۱ مورد («اشرف رهبر باند هروئین») که ۴/۱۶ درصد این شعارهاست، به قاچاق تاخته‌اند.

بر اساس فراوانی توصیف‌شده مخالفان در شعارهایی که مستقیماً علیه فساد مالی سرداده‌اند در درجه اول به اختلاس اعتراض داشته‌اند، پس از آن به رانت موجود حمله کرده‌اند، سپس به شکل عام فساد مالی اعتراض نموده و پس از آن قاچاق را محکوم کرده‌اند.

شعارهایی که به طور غیرمستقیم علیه فساد مالی سرداده شده‌اند (دو شعار «استعمار، استبداد، استثمار نابود است» و «استثمار نابود است، زحمتکش پیروز است») در اعتراض به محرومیت و استثمار (معلول رانت) سر داده شده‌اند.

در مجموع این شعارها در هر دو بیان مخالفین بیشترین اعتراض را به رانت داشته‌اند. نزدیک ۴۱ درصد این شعارها در اعتراض به رانت بوده است. در جایگاه دوم، مخالفان از اختلاس ناراضیتی داشته‌اند. بیش از ۳۳ درصد این شعارها به اختلاس اعتراض کرده‌اند. پس از اختلاس، بیش از ۲۲ درصد اعتراض مخالفان نسبت به شکل عام فساد مالی صورت گرفته است و در نهایت قاچاق در جایگاه (چهارم) باعث ناراضیتی مخالفان شده است (نک: جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی اعتراض به مصادیق فساد مالی در هر دو بیان

مصادیق مورد اعتراض	فراوانی	درصد فراوانی
اعتراض به فساد مالی در شکل عام	۶	۲۲/۲۲
اعتراض به اختلاس	۹	۳۳/۳۳
اعتراض به رانت	۱۱	۴۰/۷۴
اعتراض به رانت و ارتشاء	۰	۰
اعتراض به قاچاق حاکمیت	۱	۳/۷۰
مجموع	۲۷	۱۰۰

۲.۵ شعارهای دسته‌ی دوم

۱.۲.۵ نظام بدون فساد دومین خصلت نظام مورد درخواست مخالفین

بیش از ۹۵ درصد شعارهای مخالفین مربوط به وضعیت آرمانی که در ادبیات ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته‌اند خواهان یک وضعیت آرمانی سیاسی (خواهان آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی و غیره) هستند و در مرتبه بعدی بیش از ۴/۵ درصد این شعارها خواهان برقراری نظام بدون فساد و مضموناً معترض به فساد مالی است. در واقع برقراری وضعیتی بدون فساد خصلت دوم وضعیتی بود که مخالفین به دنبال آن بودند و برای تحقق آن به خیابان‌ها آمده و برای رسیدن به آن علیه حکومت «فاسد» شعار می‌دادند (نک: جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی شعارهای مخالفین مربوط به وضعیت آرمانی

انواع شعارهای مخالفین مربوط به وضعیت آرمانی	فراوانی	درصد
شعارها خواهان یک وضعیت آرمانی بدون فساد	۳۴	۴/۶۰
شعارهای خواهان یک وضعیت آرمانی سیاسی	۷۰۴	۹۵/۳۹
مجموع	۷۳۸	۱۰۰

۲.۲.۵ گونه‌شناسی اعتراض مخالفین به فساد مالی

بررسی فراوانی شعارهای خواهان وضعیت آرمانی بدون فساد نشان می‌دهد که این شعارها در دو سبک مستقیم و غیرمستقیم (استفاده از دیگری‌های معلول‌های رانت و ارتشاء) در برابر فساد

مالی موجود به دنبال استقرار وضعیتی بدون فساد مالی هستند. تنها یک شعار (۲/۹۴ درصد از این شعارها) است که در بیانی مستقیم با استفاده از واژه‌ی «فساد» به ضدفساد بودن وضعیت آرمانی مورد نظر انقلابیون اشاره می‌کند: شعار «اسلام دین جنبش و جهاد است، برنامه‌اش کوبیدن فساد است». با سردادن این شعار مخالفین مضموناً اعتراض خود را نسبت به فساد مالی نیز ابراز نموده و برنامه‌ی اسلام (ایدئولوژی جایگزین انقلاب) را مبارزه با فساد موجود دانسته‌اند.

۳۳ شعار (۹۷/۰۵ درصد از این شعارها) با بیانی غیرمستقیم (استفاده از معلول‌های رانت و ارتشاء (یعنی عدالت و عدل، مساوات [به معنای تساوی] و برابری، حمایت از محرومین) معلول‌های رانت و ارتشاء (یعنی تبعیض، نابرابری و محرومیت) را نفی نموده‌اند و بدین‌سان اعتراض خود را به این دو مصداق فساد مالی موجود ابراز داشته و خواهان برپایی وضعیت آرمانی بدون فساد مالی هستند. برخی از این شعارها (شامل: «برقرار باد جمهوری عدل اسلامی»؛ «برقرار باد جمهوری عدل اسلامی، به رهبری امام خمینی»؛ «حکومت توحیدی، مظهر عدل و داد است»؛ «جمهوری اسلامی مظهر عدل و داد است»؛ «هدف نهایی مسلمانان، تشکیل جمهوری عدل اسلامی»؛ «امام ما خمینی رهبر انقلاب است، جمهوری اسلامی، مظهر عدل و داد است»؛ «آزادی، برابری، آگاهی، حکومت اسلامی» و «نظام شاهنشاهی با انقلاب مردم الغاء باید گردد، حکومت متقین به دست مستضعفین ایجاد باید گردد» «عدالت»، «برابری» و «مستضعف» محوری (دیگری تبعیض به عنوان معلول رانت و ارتشاء) را خصلت نظام سیاسی‌ای می‌دانند که به دنبال استقرار آن هستند. گروه دیگر این شعارها ایدئولوژی انقلاب، رهبر و طرفداران او را حامیان «عدل»، «داد»، «مساوات» و «مستضعفین» (دیگری تبعیض به عنوان معلول رانت و ارتشاء) دانسته‌اند: شعارهای «نجات مستضعفان، در پرتو اسلام است»، «آزادگی و عدل بود و امت حسینی، دیروز حسینی بود، امروز خمینی»، «احسان، ایثار، عدالت، شعار مکتب ماست»؛ «پیروز باد مبارزین حق و عدالت، حسین و سربازانش»؛ «خمینی و یارانش حافظ عدل و دادند، خمینی و سربازانش حامی عدل و دادند»؛ «آزادی، برابری، مساوات، این است شعار اسلام، هدف»؛ «کلام قرآن راه نجات انسان، کارگر، مستضعف، پیش به سوی هدف»؛ «مکتب اسلام ما می‌دهد این پیام، قیام مستضعفین، سقوط مستکبرین»؛ «درود بر خمینی حامی مستضعفان» و «مستضعف رنجبر، اسلام یاور توست». گروه دیگر این شعارها (شامل: «مساوات، عدالت، این است شعار ملت»، «همیشه در اهتزاز پرچم توحید و عدل»، «هر چه گسترده‌تر باد، نظام برابری»، «آزادی، مساوات، حق مسلم ماست»، «از وحدت مسلمین، تمام

مستضعفین، آزاد باید گردند» خواهان «مساوات»، «عدالت»، «برابری»، «عدل» و «نجات» مستضعفین هستند. شعاری دیگر صحبت از قدرت «مستضعفین» در برابر مرفهین و سرمایه‌داران می‌کند: شعار «مستکبرین و مترفین عقلی به سر ندارند، از قدرت مستضعفین گویا خبر ندارند»؛ و گروه دیگر این شعارها به الگوسازی برای برقراری «عدل» و حمایت مستضعفان براساس ایدئولوژی تشیع دست می‌زنند: شعارهای «برابری، برادری، حکومت عدل علی»، «ابوذر، ابوذر، امید مستضعفان، راهت ادامه دارد»، «نه چپ‌گرا، نه راست‌گرا، حکومت عدل خدا» و «نه آمریکا، نه شوروی، حکومت عدل علی».

با این حساب در این شعارها برقراری عدل، عدالت و دادگری با فراوانی ۱۶ (قریب به ۴۸/۵ درصد این شعارها)، اولین درخواست مخالفین و برقراری برابری و مساوات با فراوانی ۷ (بیش از ۲۱ درصد این شعارها) دومین درخواست مخالفین بوده است. بیش از ۳۰ درصد شعارها نیز خواهان برقرار وضعیت آرمانی به نفع محرومین هستند. مخالفین خواهان برقراری یک نظام اقتصادی بدون فساد و عاری از مصداق رانت و امتیازات انحصاری اقتصادی و ارتشاء بوده‌اند که از بین برنده عدالت، مساوات، برابری اقتصادی و تضییع‌کننده حق مابقی جامعه به نفع رانت‌خواران و رشوه‌دهنده‌گان بود (نک: جدول شماره ۵)

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی شعارهای خواهان خصلت آرمانی بدون فساد با بیانی غیرمستقیم

درخواست شعارها	مصادق مورد اعتراض	فراوانی	درصد
خواهان برقراری عدل، عدالت و دادگری	رانت و ارتشاء	۱۶	۴۸/۴۸
خواهان برقراری برابری و مساوات	رانت و ارتشاء	۷	۲۱/۲۱
خواهان برقرار وضعیت آرمانی به نفع محرومین	رانت و ارتشاء	۱۰	۳۰/۳۰
مجموع	-	۳۳	۱۰۰

در مجموع بیش از ۹۷ درصد شعارهای مخالفین مربوط به وضعیت آرمانی در اعتراض به رانت و ارتشاء بوده است. اعتراض به شکل عام فساد مالی در جایگاه بعدی اعتراضات مخالفان قرار داشته است.

۳.۵ سهم مصادیق فساد مالی از اعتراضات مخالفین در شعارها

با اختلاف بالایی با فراوانی ۳۳ از ۶۱ شعار، به میزان ۵۴/۰۹ درصد، بیشترین اعتراض به مصداق رانت و ارتشاء تعلق می‌گیرد. با معدل‌گیری برای تشخیص اعتراض نسبت به دو متغیر، سهم هر یک از اعتراض مخالفین بیش از ۲۷ درصد (دقیقاً ۲۷/۰۴ درصد) است. از آنجایی که مصداق بعدی مورد اعتراض و باعث نارضایتی مخالفین همچنان رانت (با فراوانی ۱۸/۰۳ درصد) است، در کل بیش از ۴۵ درصد (به طور دقیق ۴۵/۳۴ درصد) اعتراضات مخالفین به فساد مالی نسبت به رانت بوده است (نک: نمودار شماره ۱). در این رابطه گفتنی است که پس از مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷، سرمایه‌داران معروفی بودند که به تدریج با ارتباط با مراکز قدرت و دربار، به رانت اقتصادی دست یافته بودند که اخبار مربوط به آنان در گوشه و کنار فضای مطبوعاتی و سیاسی ایران مطرح بود. برای نمونه می‌توان از رحیم‌علی خرم، حبیب ثابت پاسال و اسدالله رشیدیان (نک: خواندنیها ۱۳۴۰/۲/۲۳: ۶) امیر هوشنگ دولو، علی رضایی، هژبر یزدانی و منصور یاسینی نام برد. در این میان هژبر یزدانی و دارایی‌اش بیش از همه سروصدا به پا کرده بود. در مطبوعات این دوره برای نمونه پیرامون وی آمده است: «سرمایه‌داران ایرانی (هژبر یزدانی سرمایه‌دار بزرگ تهرانی) کتک هم می‌زنند!» (همان ۱۳۵۳/۵/۲۳: ۷)؛ «مردی که می‌تواند همه ثروتمندان ایران را یک‌جا بخرد» (همان ۱۳۵۶/۷/۲: ۱۶)؛ «شخص معلوم الحالی جسارت را بجائی رسانیده‌اند.... ادعا دارند که تمام ثروتمندان ایران را از خرد و کلان را یک‌جا می‌توانند بخرند... شخص مزبور بوسیله ایادی خود فقط از بانک‌های این کشور مقدار ۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال پول وام می‌گیرد آنهم با انواع تهدیدات که سوابقی دارد» (همان ۱۳۵۷/۱/۲۶: ۱۷)؛ طبق گفته سناتور جلالی نائینی در مجلس سنا «هژبر یزدانی با همدستی پشتیبان‌های متنفذی، پنج میلیارد و دویست میلیون تومان، سر بانک‌های دولتی کلاه گذاشته است...» (همان ۱۳۵۷/۷/۱۵: ۶). اقتصاد رانتی پهلوی دوم در این سال‌ها در عرصه‌ی اقتصاد ایران، «سلطان» پروری کرده بود که مخالفین نیز از آن آگاهی داشتند. از سال ۱۳۴۲ تا آستانه‌ی انقلاب ۱۳۵۷، علی رضایی «سلطان آهن»، منصور یاسینی «سلطان شیشه» (نک: مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۴، جلسه ۱۹۴: ۱۸۷) و امیر هوشنگ دولو «سلطان خاویار» (نک: اطلاعات ۱۳۴۰/۳/۱۳: ۱ و ۲۱) لقب گرفته بودند. انقلابیون در شعارها به این اقتصاد رانتی و رانت‌خواری این طبقه به نحو گسترده‌ای اعتراض نموده‌اند.

ارتشاء که بیش از ۲۷ درصد خشم و اعتراض مخالفین به فساد مالی را برانگیخته است، بیشتر ابزاری در دست رانت‌جویان برای کسب رانت و امتیازات ویژه اقتصادی بوده است.

تأثیر فساد مالی در وقوع انقلاب اسلامی ایران (علیرضا محسنی ابوالخیری و اسماعیل حسن زاده) ۲۹۳

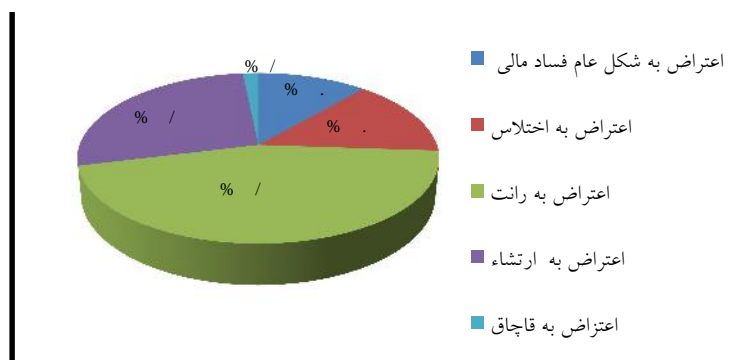
بررسی اسناد موجود در مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ حاکی از این است که در این سال‌ها ۷۲ مورد ارتشاء در سامانه‌ی دولت رخ داده است (نک: گل محمدی ۱۳۹۲). برای نمونه می‌توان از «رشوه [منصور یاسینی] به سرهنگ نصیری، رئیس ساواک برای اجتناب از پرداخت اعوارض آگمرکی ادر مورد ۱۵۰۱ اوگن اخط آهن» (اسناد لانه جاسوسی، همان: ۲۱۳)، رشوه‌گیری مهدی پیراسته، نماینده‌ی مجلس شورای ملی در دوره‌های شانزدهم و هجدهم و استاندار فارس و خوزستان (همان: ۲۹۵ و مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۸۷ الف: ۱۱۰-۱۱)، رشوه‌گیری جواد خادم وزیر مسکن و شهرسازی شاپور بختیار (اسناد لانه جاسوسی، همان: ۳۸۷) و ارتشاء چند صد هزار تومانی یکی از مدیران حج و اوقاف (خواندنیها ۱۳۵۷/۸/۶: ۷) نام برد.

اختلاس در جایگاه سوم با فراوانی ۹ نزدیک ۱۵ درصد (به طور دقیق ۱۴/۷۵ درصد) اعتراض مخالفین به فساد مالی را داشته است. لازم به ذکر است که مطالعه‌ی اسناد موجود در مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری نشان داده است که از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ شمسی تعداد ۳۴۴ مورد اختلاس رخ داده که تقریباً ۶۵ درصد آن را مأموران عالی‌رتبه دولتی انجام داده‌اند (نک: گل محمدی ۱۳۹۲). اخیرترین اختلاس‌ها برای نمونه اختلاس ۳۰۰ میلیون تومانی فریدون مهدوی دبیر کل حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۵ (خواندنیها ۱۳۵۷/۲/۱۶: ۴۰)؛ «سوء استفاده ۳۰۰ میلیون تومانی دو نفر از معاونان وزارت بازرگانی در معاملات شکر با یک شرکت خارجی» (همان ۱۳۵۷/۱/۲۶: ۵۰) و «اختلاس ۳۰۰ میلیون تومانی در شرکت تعاونی کامیونداران» در سال ۱۳۵۷ (همان ۱۳۵۷/۲/۹: ۴) بوده است.

شعار علیه شکل عام فساد مالی در جایگاه چهارم قرار دارد. سهم این نوع اعتراض با فراوانی ۷ بیش از ۱۱ درصد (به طور دقیق ۱۱/۴۷ درصد) است.

قاچاق هیئت حاکمه در جایگاه پنجم، با فراوانی ۱ نزدیک ۲ درصد (به طور دقیق ۱/۶۳ درصد) خشم و اعتراض مخالفین به فساد مالی را باعث گشته است. مخالفین با سردادن شعار «اشرف رهبر باند هروئین» به اشتغال اشرف پهلوی خواهر دو قلوی شاه در قاچاق مواد مخدر با سوءاستفاده از مقامش اعتراض نموده‌اند. اخبار موجود در سال‌های اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰ از قاچاق مواد مخدر و سایر کالاها توسط خاندان سلطنت، مخالفین را معترض کرده بود. بر اساس اسناد در دسترس ساواک «اشرف پهلوی بزرگترین باند قاچاقچیان تریاک و مواد مخدره ایران را سرپرستی» می‌کرد (مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۸۱: ۵۱). بر اساس اخبار مندرج در مجله‌ی آلمانی اشپیگل و مجله آمریکایی ساگا اشرف پهلوی در نوامبر ۱۹۶۱ / آبان ۱۳۴۰ در

حالی که چمدان‌های خود را از کیسه‌های پلاستیکی مملوء از هروئین پر کرده بود، دستگیر شد و مداخله‌ی مقامات عالی‌رتبه سوئیس باعث آزادی‌اش شد. این خبر در مارس ۱۹۷۲/اسفند ۱۳۵۰ و در نوامبر ۱۹۷۳/آبان ۱۳۵۲ در این روزنامه‌ها درج گردید و بازخورد مطبوعاتی جهانی داشت (فردوست ۱۳۷۲: ۴۶۳-۴۶۴). علاوه بر اشرف، حمیدرضا پهلوی نیز در قاچاق مواد مخدر و کالاهای دیگر دست داشت (مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۹۱: ۱۴ و ۸۸). شهرام پهلوی نیا پسر اشرف نیز در قاچاق عتیقه فعالیت می‌کرد و از این راه سود کلانی به جیب زده بود (نک: نراقی ۱۳۷۲: ۱۲۷-۱۲۸ و میلانی ۱۳۸۰: ۳۴۷). همچنین از اوایل ۱۳۵۰ شمسی افتضاحی در سطح بین‌المللی برای شاه پیرامون قاچاق مواد مخدر ایجاد شد که بدبینی‌ها نسبت به وی را در جامعه‌ی ایران تشدید کرد. امیرهوشنگ دولو در مارس ۱۹۷۲/اسفند ۱۳۵۰ در ژنو در حال قاچاق تریاک به وسیله پلیس دستگیر شد (بهنود ۱۳۶۹: ۴۰۸). شاه که در این زمان در سوئیس بود مداخله نمود و او را آزاد کرده (نک: علم ۱۳۸۰: ۲۰۹) و به ایران فرستاد (نک: هویدا ۱۳۶۵: ۹۵). رسوایی دولو در سوئیس و دخالت مستقیم شاه در آزادی وی، در مجله آلمانی اشپیگل در ۱۳ مارس ۱۹۷۲/۲۳ اسفند ۱۳۵۰، در مقاله‌ای با عنوان «تحت حمایت شاهنشاه» بازتاب بین‌المللی یافت (فردوست ۱۳۷۲: ۴۶۵). در اواخر مارس ۱۹۷۲/فروردین ۱۳۵۱، هفته‌نامه «نهیض روحانیت» که در خارج از کشور منتشر می‌شد در مقاله‌ای تحت عنوان «بی‌آبرویی بزرگ» و با کاریکاتوری با عنوان «آریا هروئین‌مهر» پیرامون این ماجرا نوشت (مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۸۷ ب: ۱۳-۱۴). مجله‌ی آمریکایی «ساگا» نیز در نوامبر ۱۹۷۳/آبان ۱۳۵۲ پیرامون دخالت شاه در آزادی دولو نوشت و اظهار کرد که قاچاق‌چیان مواد مخدر و درباریان ایران بیش از ۵ میلیارد دلار در بانک‌های سوئیس ذخیره دارند (فردوست ۱۳۷۲: ۴۶۳-۴۶۴).



نمودار شماره ۱: فراوانی اعتراضات به مصادیق فساد مالی

۴.۵ حاکمیت پهلوی عامل اصلی فساد مالی در شعارها

عاملین فساد مالی در بیان آشکار و مضمون شعارها قابل شناسایی هستند. شعارهایی که بدون ذکر علت، محمدرضا شاه و خاندان سلطنت را محکوم ساخته‌اند، مضموناً مصداق اعتراض به فساد مالی این دو نیز می‌توانند باشند. اولاً شاه و خاندان سلطنت منفورترین اشخاص در شعارها هستند و ثانیاً بیشتر در فحواي کلی و بدون ذکر علت، مخاطب شعاردهنده‌گان قرار گرفته‌اند. فراوانی کل شعارهای حمله‌کننده به شاه ۴۲۵ مورد است که ۲۸۸ مورد (۶۷/۷۶ درصد از این شعارها) بدون ذکر علت شاه را نکوهیده و یا تهدید کرده‌اند. این امر پیرامون خاندان سلطنتی نیز صادق است. فراوانی کل شعارهای حمله‌کننده به خاندان سلطنت ۳۳ مورد است که در ۱۹ مورد (۵۷/۵۷ درصد از این شعارها) به خاندان سلطنت با بیانی کلی و بدون ذکر علت حمله شده است. بنابراین از این نقطه نظر می‌توان گفت که در شعارها از میان شخصیت‌های فضای سیاسی عصر، شاه و خاندان سلطنتی عاملین فساد مالی شناخته شده‌اند.

از بطن ۲۷ شعاری که در مذمت مستقیم فساد مالی سر داده شده‌اند نیز عاملین فساد مالی قابل احصاء‌اند. بیش از ۵۹ درصد این شعارها حاکمیت (محمدرضا شاه، خاندان سلطنت و دولت) را عامل فساد مالی دانسته‌اند. در نگاه جزئی‌تر در ۲۲/۲۲ درصد این شعارها، محمدرضا شاه عامل فساد مالی دانسته شده است. یکی از این شعارها («برای جنگ با رژیم فاسد، تهیه کن مسلسل ای مجاهد، مرگ بر این شاه») «رژیم» شاه را فاسد دانسته و برخی شاه را به طور دقیق‌تر «دزد» و غارتگر معرفی کرده‌اند: «ای که پرپرکنی جوانه‌ها، می‌زنی آتش به خانه‌ها، می‌کشی خلق مسلم خدا، تا که خود پر کنی خزانه‌ها»، «پیوند شاه و کارتر، پیوند دزد و قاتل»، «ما شیر و موز نمی‌خواهیم، ما شاه دزد نمی‌خواهیم»، «لقمه‌ای که این شه زکام ما بدر آورده است، آخر از حلقوم ناپاکش به درخواهیم کرد» و «کره‌خر رضاشاه بله، نفت ما را بردی بله، گاز ما را بردی بله، پول آن‌ها رو خوردی بله». در ۱۴/۸۱ درصد این شعارها، دولت عامل فساد مالی، «دزد» و «غارت» گر معرفی شده است: «این است شعار دولت، دزدی، غارت، جنایت»، «این است شعار دولت، چوب و چماق و غارت»، «آزادگان در زندان، میهن به دست دزدان». شعاری دیگر نیز («نظام سرمایه‌داری نابود باید گردد») مضموناً دولت را نظامی سرمایه‌دارپرور معرفی نموده است. در ۱۱/۱۱ درصد شعارها، به خاندان سلطنت به عنوان عوامل فساد مالی حمله شده است. یکی از این شعارها («نفت را کی برد؟ آمریکا، گاز را کی برد؟ شوروی، پولش را کی خورد؟ پهلوی»)، خاندان پهلوی را غارت‌گر معرفی می‌کند و دو شعار دیگر نیز به اشرف پهلوی حمله می‌کنند: «مرگ بر اشرف همه کاره» و «اشرف رهبر باندهروئین». ۱۱/۱۱

درصد این شعارها («آمریکا ریشه هر فساد است» و «نفت ملت رو بردی، خون ملت رو خوردی، مرگ بر آمریکا» و «آمریکا آمریکا حامی غارتگران»)، نیز آمریکا را به علت سوءسیاست هیأت حاکمه، عامل فساد مالی دانسته‌اند.

پس از حاکمیت، طبقه‌ی سرمایه‌دار که صاحبان رانت‌های دل‌بخواهی حاکمیت بوده‌اند ۲۲/۲۲ درصد اعتراضات را به خود معطوف کرده‌اند. برخی از این شعارها، سرمایه‌دار را «دشمن» مردم دانسته و به الگوسازی در تقابل سرمایه‌دار دست زده‌اند: «مترفین [مرفهین]، مترفین، دشمن مسلمین»، «ابوذر، ابوذر، دشمن سرمایه دار، امید مستضعفان، راهت ادامه دارد». شعار دیگر («کارگر و برزگر قهرمان، سرمایه‌دار حق تو را ربوده») سرمایه‌دار را غارت‌گر معرفی کرده و دو شعار دیگر، «مرگ» و نابودی سرمایه‌دار را طلب کرده است: «اتحاد کارگران، مرگ سرمایه‌داران» و «نظام سرمایه‌داری نابود باید گردد». شعار دیگر نیز به تهدید این طبقه دست زده است: «مستکبرین و مترفین عقلی به سر ندارند، از قدرت مستضعین گویا خبر ندارند».

در جایگاه چهارم، بیش از ۱۸/۵ درصد این شعارها نوع نظام سیاسی (نظام شاهنشاهی) را «عامل و مظهر فساد» و «فاسد» معرفی کرده‌اند: «برای جنگ با رژیم فاسد، تهیه کن مسلسل ای مجاهد، مرگ بر این شاه»، «رژیم شاهنشاهی سرچشمه فساد است حکومت اسلامی، منشأ عدل و داد است»، «زندگی مصرفی معادل بردگی است نظام شاهنشاهی، مظهر هر فساد است»، «نظام شاهنشاهی، عامل هر فساد است جمهوری اسلامی، مظهر عدل و داد است» و «هفدهم شهریور سر آغاز جهاد است، خون شهیدان ما خاتمه فساد است».

در یک جمع‌بندی باید گفت در مرتبه اول با اختلاف فاحش نسبت به دیگر عناصر، ۹۶/۸۶ درصد شعارها حاکمیت (شامل محمدرضا شاه، خاندان سلطنت و دولت) را عامل فساد مالی دانسته‌اند. سهم هر یک از مصادیق حاکمیت از این اشاره‌ی شعارها به ترتیب از آن محمدرضا شاه (بیش از ۸۸ درصد)، خاندان سلطنت (بیش از ۶/۵ درصد) و دولت (بیش از ۱ درصد) است. در بین هیأت حاکمه، محمدرضا شاه (رأس هرم حاکمیت) با اختلاف زیادی از عناصر دیگر حاکمیت عامل اصلی فساد مالی دانسته شده است. پس از هیأت حاکمه، نوع نظام سیاسی و طبقه سرمایه‌دار(ان) هر کدام نزدیک ۱/۵ درصد شعارها را متوجه خود کرده‌اند (نک: جدول شماره ۷). با این حساب باید گفت نارضایتی از فساد مالی، سیاسی شده است.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی عاملین فساد مالی در بیان آشکار و مضمون شعارها

عاملین فساد در شعارها	فراوانی	درصد فراوانی
شخص محمدرضا شاه	۲۹۴	۸۸/۰۲
خاندان سلطنت	۲۲	۶/۵۸
دولت	۴	۱/۱۹
هیأت حاکمه	۳	۰/۸۹
نوع نظام سیاسی (نظام شاهنشاهی)	۵	۱/۴۹
طبقه سرمایه‌دار(ان)	۶	۱/۴۸
مجموع	۳۳۴	۱۰۰

۶. نتیجه گیری

الف) نارضایتی از فساد مالی پس از نارضایتی از وضعیت سیاسی دومین علت نارضایتی مخالفین از حاکمیت پهلوی است. انقلابیون در شعارها به شکل مستقیم و غیرمستقیم (اعتراض به معلول‌های فساد مالی) علیه فساد مالی و مصادیق آن شعار داده‌اند و به ترتیب به رانت، اختلاس، شکل عام فساد مالی و قاچاق اعتراض داشته‌اند.

ب) نظام جایگزین عاری از فساد مالی پس از درخواست یک نظام آرمانی سیاسی (آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی و غیره) دومین خصلت نظام مورد درخواست مخالفین بوده است.

ج) در کل سهم مصادیق فساد مالی از نارضایتی به ترتیب متعلق است به: رانت، ارتشاء، اختلاس، شکل عام فساد مالی و قاچاق.

د) در شعارها، هیأت حاکمه عامل فساد مالی دانسته شده‌اند. در کل بیش از ۹۶/۵ درصد شعارهای علیه فساد مالی هیأت حاکمه (شاه، خاندان سلطنت و دولت) را عامل فساد دانسته‌اند و بر این اساس نارضایتی از فساد مالی، سیاسی شده است.

باید گفت در آستانه‌ی انقلاب، نارضایتی از فساد مالی از منظر سهم، دومین متغیر سبب نارضایتی سیاسی عمومی (به عنوان شرط لازم وقوع انقلاب) و دومین عامل نارضایتی از حکومت پهلوی بوده است. با این حساب باید فساد مالی موجود و نارضایتی عمومی از آن را شرط لازم وقوع انقلاب دانست. وجود رانت و ارتشاء در جامعه نابرابری ایجاد کرده و باعث تبعیض شده بود. رانت و ارتشاء (به عنوان ابزاری در دست متقاضیان خاص) باعث شده بود

توده‌ها شرایط زندگی آرمانی‌ای (که خود را به نحوه توجیه‌پذیری مستحق آن می‌دانستند) را به نفع طبقه‌ی صاحب امتیازات از دست بدهند و احساس محرومیت کنند و نظام سیاسی (توزیع کننده رانت و ایجاد کننده ارتشاء) را عامل آن بشناسند. اختلاس برای مخالفین بیانگر این واقعیت بود که منابع دولتی که باید صرف هزینه‌های عمومی می‌شد، بازیچه منافع شخصی مسئولین سیاسی است و لذا نظام سیاسی را عامل اصلی آن دانستند. مخالفین، قاچاق (مواد مخدر و کالا) را عاملی می‌دیدند که منافع عمومی جامعه را فدای منافع قاچاقچیان می‌کند. مخالفین عقیده داشتند قاچاق مواد مخدر که با سوء استفاده از قدرت عمومی خاندان سلطنت صورت گرفته به‌ضرر منافع عمومی است و در این مورد نیز نظام سیاسی را مقصر دانستند.

کتاب‌نامه

- احمدی، عبدالله (۱۳۸۲)، جرم قاچاق یا آناتومی اقتصادی، تهران: نشر میزان.
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا (۱۳۸۹)، جلد‌های دوم و سوم، چ ۲، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بریتون، کرین (۱۳۶۳)، کالبد شناسی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو.
- بنائی، رضا (۱۳۷۷)، آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- بهنود، مسعود (۱۳۶۹)، از ضیال‌الدین تا بختیار، تهران: جاویدان.
- بیابانی، غلامحسین؛ موسوی، احمد (۱۳۸۹)، «قاچاق کالا و اثرات آن بر اقتصاد»، کارگاه، سال ۳، شماره ۱۱.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- حاجی‌یوسفی، محمد (۱۳۷۶)، «رانت، دولت رانتیر و رانتیرسم: یک بررسی مفهومی»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۶)، «هویت ملی در شعارهای انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۸، شماره ۳.
- خضری، محمد (۱۳۸۱)، رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی - اقتصادی رانتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دادگر، حسن، معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۳)، فساد مالی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳.

تأثیر فساد مالی در وقوع انقلاب اسلامی ایران (علیرضا محسنی ابوالخیری و اسماعیل حسن زاده) ۲۹۹

ربیعی، علی (۱۳۸۳)، زنده باد فساد! جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

روزنامه اطلاعات (۱۳۴۰/۳/۱۳)، سال ۳۵، شماره ۱۰۵۱۹.

علم، امیر اسدالله (۱۳۸۰)، یادداشت‌های امیر اسدالله علم، ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات مازیار.

علی اصغر، حاج‌سیدجوادی (۱۳۵۷)، نامه‌ها، چاپ دوم، تهران: افق.

فردوست، حسین (۱۳۷۲)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، تهران: اطلاعات.

گر، تدرابرت (۱۳۸۸)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، چ ۳، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گل محمدی، احمد (۱۳۹۲)، «آسیب‌شناسی دولت در ایران در دوره پهلوی: فساد سیاسی به روایت اسناد»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره دوم.

لوح مشروح، متن قابل جستجوی مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی، نسخه دوم.

مجله خواندنیها (۱۳۴۰/۲/۲۳)، سال ۲۱، شماره ۶۷؛ (۱۳۵۶/۵/۲۳)، س ۳۷، ش ۴۶؛ (۱۳۵۶/۷/۲)، س ۳۸، ش ۲؛ (۱۳۵۷/۱/۲۶)، س ۳۸، ش ۳۱؛ (۱۳۵۷/۲/۹)، س ۳۸، ش ۳۳؛ (۱۳۵۷/۲/۱۶)، س ۳۸، ش ۳۴؛ (۱۳۵۷/۲/۱۵)، س ۳۹، ش ۴؛ (۱۳۵۷/۸/۶)، س ۳۹، ش ۷.

مداح، مجید (۱۳۸۹)، «تبیین اثر کیفیت نهادی بر فساد اقتصاد: رهیافت لیزرل»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال چهارم، شماره دوم.

مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۱)، زنان دربار به روایت اسناد ساواک، اشرف پهلوی، چ ۱، تهران: اطلاعات.

مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۷ الف)، جنبش چپ به روایت اسناد ساواک: حزب دمکرات کردستان ایران، ج ۱، تهران: اطلاعات.

مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۷ ب)، طرح‌ها و کاریکاتورهای مردمی به روایت اسناد ساواک، چ ۱، تهران: اطلاعات.

مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۹۱)، رجال عصر پهلوی: حمیدرضا به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۵، چ اول، تهران: اطلاعات.

میلانی، عباس (۱۳۸۰)، معمای هویدا، تهران: اختران.

نراقی، احسان (۱۳۸۰)، از کاخ شاه تا زندان اوین، چاپ اول، ترجمه سعید آذر، تهران: انتشارات رسا.

همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷)، فساد مالی (علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هویدا، فریدون (۱۳۶۵)، سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهران، تهران: اطلاعات.

۳۰۰ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

وطن پور، علی رضا (۱۳۸۷)، «قاجاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور»، کارگاه، دوره دوم، شماره ۳.

Beblawi, Hazem and Luciani, Giacomo (1987). Rentier State, London: Croom Helm Pub.

Ellis Wild, Susan (2006). Webster's New World Law Dictionary, New York: Wiley Publishing, Inc.

Green, G. S (1993). White-collar crime and the study of embezzlement, Annals of the American Academy of Political and Social Science.

Transparency international, 'business principles for countering bribery', 2009.